

مدیریت نظامی

شماره ۲۶، تابستان ۱۳۸۶

ص ص ۴۴-۵

بررسی میزان تاثیر بکارگیری شیوه های نبرد نامتقارن (ناهمتراز) در مقابله با تهدیدات نظامی

Nikbakhsh Habibi

نیک بخش حبیبی

چکیده

به منظور بررسی میزان تاثیر بکارگیری شیوه ها و مؤلفه های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی علیه کشور که در چهار حوزه عملیات استشهادی (انتحاری)، تسلیحات غیر متعارف، جنگ چریکی درون شهری، جنگ اطلاعات تقسیم بندی شده اند و همچنین تعیین میزان صحت و سقم فرضیه های مطرح شده " بکارگیری عملیات استشهادی (انتحاری)، تسلیحات غیر متعارف، جنگ چریکی درون شهری و جنگ اطلاعات، شیوه ای نامتقارن مؤثر در مقابله با تهدیدات نظامی کشور است " از بین امیران، سرداران و افسران ارشد نیروهای مسلح کشور که آگاهی مناسبی پیرامون جنگ نامتقارن داشته باشند تعداد ۳۰ نفر یعنی حداقل تعداد مورد نیاز تحقیق به صورت نمونه گیری خوشه ای تصادفی با توجه به اینکه تعداد کل جامعه آماری نیروهای مسلح محرمانه و در دسترس محقق نمی باشد تعیین گردید و با در اختیار نهادن پرسشنامه ای مناسب نتایج بدست آمده، با استفاده از روشهای آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل

آماري قرار گرفت.

این تحقیق ضمن دستیابی به مولفه‌های یک نبرد نامتقارن تلاش دارد، با تعیین میزان تاثیر شاخص‌های هر مولفه و رویکرد نامتقارن، کارایی آنها را در مقابله با تهدیدات نظامی موجود که با ویژگی عدم تقارن از جانب قدرتهای بزرگ همراهند، مشخص کند.

از آنجا که هدف محقق از انجام تحقیق فوق توصیف عینی و واقعی از میزان تاثیر و توانایی بکارگیری شیوه های جنگ نامتقارن در برابر تهدیدات نظامی است و تلاش دارد تا " آنچه هست " را بدون هیچگونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش کند و نتایج واقعی از موضوع فوق را بدست آورد، بنابراین هیچ تلاشی را برای دستکاری متغیرها و یا ایجاد شرایطی برای وقوع زویدادها صورت نداده است و صرفاً متغیرهای مذکور در فرضیه یعنی شیوه های چهارگانه رویکرد نامتقارن را انتخاب و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل آماری از طریق ارسال پرسشنامه، انجام مصاحبه و مطالعه منابع قرار داده است، که نتیجه آن تایید سه حوزه عملیات استشهادی (انتحاری)، جنگ چریکی درون شهری، جنگ اطلاعات و عدم تأیید حوزه بکارگیری تسلیحات غیر متعارف می باشد.

بنابراین یافتن شناخت این شیوه ها و مؤلفه‌ها در قرن حاضر و آگاهی کافی در اجرای این شیوه‌ها و شناخت میزان تاثیر آنها جهت مقابله با تهدیدات نامتقارن و حتی متقارن موجود از جانب قدرتهای برتر یک نیاز مبرم پژوهشی و تحقیقاتی می باشد و محقق با طرح این مسأله که میزان تاثیر بکارگیری شیوه های متداول نامتقارن در نظام دفاعی و نظامی ما در مقابله با تهدیدات به چه میزانی می‌باشد، تلاش خود را برای جمع‌آوری اطلاعاتی در این زمینه آغاز کرد.

کلید واژه: نبرد نامتقارن، عملیات استشهادی (انتحاری)، تسلیحات غیر متعارف، جنگ چریکی درون شهری، جنگ اطلاعات

Effects of Asymmetrical war against military threats

Abstract

In order to study effects of employing the methods and principles of asymmetrical against the military threats addressing Iranian territory, these methods and principles can be categorised in to four areas including : deliberate martyrdom – seeking attacks, uncommon warfare, gurrilla civil war and information war.

The hypothesis raised to this end is “ the four dimensional operations are effective in fighting against any military threats against Iran”. Form among the high _ ranking military commanders and senior officers supposed to be well – informed of such war, ۳۰ were selected through cluster – random sampling due to the secret nature of the total number of possible partiapants. To this end, a questionnaire was administered among the partiapants and the necessary statistical analyses ware run as to the collected data.

Given the fact the researcher aimed at affering objective and realistic description of the hypothesis and reporting the situation as it is, then on attempts were made with respect to manipulating or controlling the variables, rather the effective variables of the hypothesis were studied and the data collected through both the questionnaire and an interview.

The findings support application of deliberate martyrdom seeking, gurrilla and information war but disapprove the application of uncommon warface.

Key words :

Asymmetrical war, deliberate martyrdom – seeking (suicide attacks), uncommon warface, gurrilla civil attacks, information war

مقدمه

ماهیت متغیر جنگ، بالاجبار تغییر اشکال نبرد به مفهوم تحول در رابطه با دفاع و تهاجم، زمان و مکان، نوع و طرق بکارگیری تسلیحات و حتی دگرگونی در گستره بکارگیری نیروها در صحنه های نبردهای واقعی و مجازی در نهایت حرفه ای شدن جنگ را در پی خواهد داشت. امروزه برخلاف گذشته، تمایزی بین خط مقدم و پشت جبهه وجود ندارد و هر چه که به دشمن تعلق دارد و قابل رویت است دیگر هدف قرار نمی گیرد بلکه در سایه افزایش توان اثرگذاری فناوری نظامی تنها به مراکز خاصی حمله می شود که شکست روحیه، کسب پیروزی، تفوق و برتری بر دشمن را تسهیل کند.

از طرفی تحلیلگران مسایل نظامی ویژگیهای اصلی و اساسی جنگهای آینده را دو ویژگی زیر می دانند:

- جنگها مبتنی بر دگرگونی و تغییر پذیری تاکتیکهای سریع و غیره مستظره است.
- عدم توازن در سیاست و قدرت جهانی میدان های جنگ آینده را صحنه نبردهای نامتقارن و ناهمتراز ساخته است.

جهان امروز عرصه تلاش برای حفظ و دستیابی به منافع بیشتر و قدرت افزونتر است که در سایه آن بتوان این منافع را نگاه داشت و به آن استمرار بخشید. در تبیین و تفسیر رفتارهای سیاسی و نظامی قدرت های بزرگ این نکته قابل درک است که آنچه حدود و ثغور منافع را مشخص و اثبات می کند میزان برخورداری آنها از "قدرت" یا اعمال قدرت می باشد. بازنگری مفهوم و رابطه "قدرت" و "منافع" این نکته را مشخص می کند که، "قدرت نامتقارن" همواره تبیین کننده و توجیه کننده "منافع نامتقارن" است. به عبارت ساده تر اعمال قدرت نامتقارن باید دربردارنده سود و منفعت نامتقارن نیز باشد اگر در نبردی تناسب میان اعمال قدرت و کسب منافع به هم بخورد انگیزه واراده کافی برای ادامه منطقی یک جنگ و نبرد از دست می رود. هرچه این فاصله قدرت نسبی از منافع پیش بینی شده بیشتر باشد اراده قاطع برای حفظ منافع کمتر از حد توقع نیز کاهش می یابد که به دنبال آن

ضربه پذیری و آسیب سیاسی بیشتر متوجه قدرت قوی تر می شود. این نکته فلسفه یک نبرد نامتقارن را از دیدگاه طرف ضعیف در ادامه درگیری با قدرت های برتر و بزرگتر بیان می کند. به همین دلیل است که ۳۰٪ همه جنگ های با ماهیت عدم تقارن را رقیب ضعیف تر به نفع خود خاتمه می دهد. (ایوان ارگوین تافت - ۲۰۰۱).

اساس همه تقسیم بندی و استراتژی در نبرد نامتقارن توجه به این نکته است که قدرت پدیده ای نسبی ست و وابسته به موقعیت های از قبیل زمان، مکان، سرعت و شرایط خاص، که همه آنها به عنوان اجزاء بغرنج و پیچیده غیر قابل تعریف و تشخیص برای کسب برتری و قدرت در شرایط مختلف می باشد. طرفی که در وضعیت ضعیف تر بر اساس "تئوری برتر تکنولوژیکی" قرار دارد می تواند حالت توازن و تعادل را با هوشیاری بالا و خلاقیت، غافلگیری، قابلیت انعطاف طبق "تئوری هوش سرشار" ایجاد نماید و این اساس و کلید برتری در یک جنگ نامتقارن است. بر این اساس کارشناسان جنگ پیش بینی می کنند که در جنگ های قرن بیست و یکم تاکتیک بسیار مهم خواهد بود زیرا ماهیت جنگ در حال تغییر است و در واقع توجه و گرایش به رویکرد جنگ نامتقارن که ساده ترین مفهوم آن "استفاده نامتعارف و غیر معمول هوشمندانه از ابزار و نیروهای عادی و غیر متعارف برای دستیابی به اهداف بزرگ با هزینه کمتر" جنگ های آینده را عرصه رقابت تاکتیکی های نامتقارن خواهد کرد.

اواسط دهه ۹۰ قرن بیستم همزمان با حمله شیمیایی عامل اعصاب سارین در متروی ژاپن و پس از پایان جنگ سرد و احراز قدرت بلا منازع امریکا در صحنه سیاست جهانی، جنگ های محدود، جزئی، ناقص، مردمی و ... کم کم تحت مقوله نامتقارن وارد ادبیات نظامی شد. جنگ نامتقارن جنگی ست که در آن، به منظور دستیابی به اهداف استراتژیک مورد نظر، نیروی تاکتیکی یا عملیاتی نامتقارن خود را بر ضد نقاط آسیب پذیر دشمن بکار گرفته و با هدف تضعیف اراده و میل به جنگجویی او تأثیرات نامتناسب و نامتناسب بر جای میگذارد. ابعاد و جلوه های مختلفی از گستره جنگ های نامتقارن در دو بعد آفندی یا مثبت و پدافندی یا منفی در یک دهه اخیر با رهیافت های نظامی ایالات متحده در حال شکل گیری و توسعه است که می توان از آنها به

نمونه های زیر اشاره کرد :

جنگ اطلاعات (Information Warfare) ، جنگ روابط عمومی (Public Relations Warfare) - جنگ رسانه ای (Soft war) ، جنگ مانوری یا رزمایشی (Maneuver Warfare) و جنگ بدون درگیری (None-Engagement Warfare) و جنگ تسلیحات هوشمند (Precision - Weapons) و جنگ ارتباطات شبکه ای (Cyber Warfare) و در همین راستا به موازات گسترش رویکرد و دامنه جنگهای نامتقارن در حیطه قدرت و توانایی های رزمی قدرت های بزرگ به خاطر برخورداری آنها از تکنولوژی برتر نظامی، در اختیار داشتن برتری و تفوق در عرصه هوا ، فضا، زمین و دریا، کشورها، دولتها و حتی گروههای مخالف سیاست- های آنها به سوی رویکردها و تکنیکهای نامتقارن مطابق با توانایی های خود خود از قبیل: عملیات انتحاری (استشهادی) ، تسلیحات کشتار جمعی WMD ، حملات اینترنتی، حملاتی به شیوه ۱۱ سپتامبر و جنگ درون شهری و کشیده شده اند.

واژه عدم تقارن نخستین بار در سال ۱۹۹۰ توسط خلبان جان واردن در ارائه طرح حمله به عراق و به طور رسمی در سال ۱۹۹۵ در دکترین عملیات مشترک امریکا به صراحت بکار برده شد. با این حال در آن هنگام این کلمه با مفهوم بسیار ساده و محدودی در آنجا بکار گرفته شد بگونه ای که درگیریهای نامتقارن را به شکل درگیری میان نیروهای ناهمگون و ناهمانند از قبیل هوایی علیه زمینی یا دریایی بکار برد بودند. در سال ۱۹۹۵ " استراتژی نظامی ملی " امریکا با تعریف تروریست، کاربرد یا تهدید بوسیله سلاح های کشتار جمعی (WMD) و همچنین استفاده از جنگ اطلاعات را به منزله توجه به گرایشات نامتقارن مورد توجه قرار داد. در سال ۱۹۹۷ در گزارش چهارساله بررسی دفاعی ایالات متحده مفهوم تهدید نامتقارن نیز مورد توجه جدی قرار گرفت. اوج این توجه را در حمله به برج های دو قلو تجارت جهانی در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ می توان به شمار آورد. که به دنبال آن اندیشمندان امریکایی تلاش دارند عرصه نبردهای آینده را در قالب " جنگهای نامتقارن " حتی برای کشور بزرگ و قدرتمندی چون چین مشخص و حتی تعریف کنند.

جنگ نامتقارن در ادبیات نظامی کشور ما به موازات گسترش فرهنگ ترجمه و آشنایی با افکار اندیشمندان نظامی دنیا؛ بعد از حمله القاعده به برج های دو قلو سال ۲۰۰۱ و اشغال افغانستان و عراق در میان محافل علمی نظامی و دانشگاهی راه پیدا کرد. از طرفی ضرورت طرح دوباره شکل گیری قالب جدیدی از جنگ با ماهیت عدم تقارن و همینطور پاسخی کوتاه به اشتیاق و انگیزه های علمی پیرامون مقابله با تهدیدات نظامی به عنوان مهمترین و اصلی ترین وظیفه دفاعی نیروهای مسلح، تحقیق حاضر در پی آگاهی بیشتر و شناخت مولفه های جنگ نامتقارن در قرن حاضر می باشد و بر آن است تا ضمن بررسی شیوه های متداول و مورد پذیرش اکثر تحلیل گران نظامی در خصوص جنگ نامتقارن، توانایی نظام دفاعی کشور را در بکارگیری موثر این روش ها مورد پژوهش و بررسی قرار دهد تا بتوان با نتایج حاصل از آن گامی هر چند ناچیز در پویایی تفکرات نوین نظامی و دفاعی برداشته باشد.

تشریح و بیان مساله

ملتها و دولتها در طی قرون متمادی به دنبال راهی و روشی برای خنثی کردن، اجتناب و جلوگیری از اعمال قدرتهای برتر با تکیه بر نقاط قوت خود و آگاهی از نقاط آسیب پذیر دشمنانش علیه خود بوده اند. از طرفی نیز از دیر باز در فلسفه نظامی دولتها، ارتش ها بر اساس تهدیدات موجودیت و سازماندهی و حتی دگرگونی پیدا می کنند که این تحول و تغییر اگر با پیش بینی و تمهیدات لازم و مناسب صورت پذیرد می تواند تهدید پیش آمده را به فرصت تبدیل کند و این فرصت همان شکل گیری نوع خاصی از نیروهای نظامی است که برای بقا و پایداری نیازمند دفاع معقولانه و انعطاف پذیر و هوشمندانه در برابر هر تهدیدی خواهد بود.

اگر هدف از جنگ را " تحمیل اراده خود بر دشمن " فرض کنیم تا مادامیکه دشمن در دستیابی اهدافش که تسلیم، نابودی و از پا درآوردن ماست، ناکام مانده باشد در آن صورت می توان فرض کرد که در راستای تامین هدف جنگ حرکت کرده ایم.

امروزه با پایان گرفتن جنگ سرد و فرو ریختن اسطوره های دیوار آهنین شوروی،

سیاستمداران ایالات متحده تلاش دارند آنرا به معنای پیروزی لیبرال دموکراسی غربی تلقی کنند و همه کشورهای جهان را تحت نظام حاکمیت مورد نظر و ایده آل خود با ارائه نظریه نظم نوین جهانی در آورند. امروزه یکی از گزینه های مهم در این چالش فرارو، انتخاب تاکتیک های دفاعی به دلیل نا متعادل و نابرابر بودن میزان تهدیدات و قدرت نظامی و تکنولوژیکی امریکا و متعهدانش برای ما و حتی آنها روی آوری به پدیده جنگ نامتقارن یا **Asymmetric Warfare** است. استراتژیست ها، جنگ نامتقارن را به عنوان نبردی که از حالت هنجار و قاعده طبیعی خارج شده و از روشی غیر مستقیم برای تاثیر گذاری بر یک نیروی نامتعادل (**Counterbalancing**) استفاده میکنند، تعریف کرده اند. کنت مکنزی در کتاب جنگ نامتقارن خود آخرین تعریف را در باره جنگ نامتقارن به صورت زیر بیان کرده است :

"بکارگیری رویکرد های غیر قابل پیش بینی یا غیر متعارف برای خنثی نمودن یا تضعیف قوای روحی دشمن با تکیه به نقاط قوت خود و بهره برداری از نقاط ضعف او از طریق فناوری غیر قابل انتظار یا روش های مبتکرانه".

ضروریست در عصر ظهور تهدیدات با ماهیت عدم تقارن، قبل از هر چیز ضمن آگاهی و شناخت تواناییهای خود و کشف نقاط آسیب پذیر دشمن شیوه ها و مولفه های جنگ نامتقارن را بیابیم و متناسب با میزان توانایی، قدرت و توان رزمی خود آنها را بکار بگیریم.

این تحقیق ضمن دستیابی به مولفه های یک نبرد نامتقارن تلاش دارد، با تعیین میزان تاثیر شاخص های هر مولفه و رویکرد نامتقارن، کارایی آنها را در مقابله با تهدیدات نظامی موجود که با ویژگی عدم تقارن از جانب قدرتهای بزرگ همراهند، مشخص کند. محقق با طرح این مساله که میزان توانایی تاثیر بکارگیری شیوه ها و مولفه های یک جنگ نامتقارن در نظام دفاعی ما برای مقابله با تهدیدات نظامی از چه جایگاه و سطحی برخوردار است تلاش خود را برای بدست آوردن اطلاعاتی در این زمینه با استفاده از متغیرهای همچون جنگ اطلاعات، تسلیحات غیرمتعارف، عملیات انتحاری و جنگ درون شهری به عنوان شیوه ها و مولفه های مناسب در کارآمد کردن جنگ نامتقارن،

معطوف داشته است. بنابراین با طرح مسئله عمده زیر تلاش برای یافتن پاسخی منطبق بر واقعیات را در یک تحقیق میدانی مورد بررسی قرار داده است:

بکارگیری شیوه های نبرد نامتقارن (ناهمتراز) در مقابله با تهدیدات نظامی از چه میزان تاثیری برخوردار است ؟

بدیهی است که پاسخ به این مسئله ما را قادر می سازد تا حوزه های مرسوم و رایج شیوه های نامتقارن برای مقابله با تهدیدات نظامی علیه کشور و منافع و حاکمیت ملی را بهتر بشناسیم.

اهمیت موضوع تحقیق

در محیط سیاسی ناپایدار و سیال امروزین جهان، امکان وقوع جنگهای منطقه ای و بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد. در این فضای به شدت تغییرپذیر و نامطمئن، آمادگیهای تنوریک و همینطور عملی برای پذیرش وقوع جنگهای آینده مبتنی بر تکامل اندیشه های نظامی، تاکیکها و فن آوری پیشرفته یک ضرورت ملی و حتمی است. اولین گام در جهت آمادگی دفاعی بر اساس برخورد با حوادث و جنگهای احتمالی آینده فرا روی ملت و دولت ما، ابتدا درک صحیح از میزان تهدیدات علیه کشور و سپس فهم نحوه نگرش دشمنان آینده به جنگهای احتمالی و همچنین تلقی آنها از محیط های جنگی آینده است. نتیجه این تلاش، مشخص شدن میزان تحولات نظامی و سیاسی جامعه امروزی برای رسیدن به کیفیت رفتار دولت اسلامی ایران در برخورد دفاعی و نظامی خواهد شد.

با شکوفایی انقلاب اسلامی، دولت و ملت ایران در جهت تحقق آرمانهای بزرگ خود طی ربع قرن گذشته تهدیدات و مصایب و مشکلات و جنگ و درگیریهای زیادی را پشت سر گذاشته که جنگ تحمیلی ۸ ساله و عملیات تروریستی و انتحاری علیه رهبران دینی و حاکمان سیاسی خود و همچنین فشار، تهدیدات و درگیریهای مستقیم و غیر مستقیم از جانب امریکا و متعهدانش تنها نمونه های از آن است. طبیعی است که سیاستهای دفاعی اتخاذ شده از سوی دولت اسلامی ایران برای استقرار و استمرار حاکمیت خود در هر شرایطی بنا به تهدیدات پیش آمده متفاوت از هم در هر مرحله ای

بوده است و اکنون که در سیاست خاور میانه بزرگ امریکا، ایران به عنوان رقیب و بالاتراز آن مانع بزرگ برای دستیابی به منافع نامشروع آنها در منطقه تلقی می شود و در مرکز محور شرارت !!! مورد نظر آمریکایی ها و همینطور حلقه واسطه کمربند بی ثباتی امنیتی شرق و غرب و بستر مخاطرات امنیتی آینده قرار دارد. طبیعی ست که با تهدیدات پیش آمده از سوی قدرت بلامنازع و انحصار طلبانه ایالات متحده بخواد هد با سیاست ها و استراتژی های منطقی و کارآمد از حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی خود دفاع کند.

امروزه فیلسوفان سیاسی غرب و به تبع آنها، سیاستمداران ایالات متحده تلاش دارند تا پایان تاریخ را به قالب پیروزی لیبرال دمکراسی غربی تفسیر و معنا کنند و همه کشورهای جهان را تحت نظام حاکمیت مورد نظر و ایده ال خود با ارائه نظریه نظم نوین جهانی در آورند در این تلقی بسیار عادی خواهد بود که وجود دولت مستقل و آزاد اسلامی که همسو و هم جهت با طرح ها و برنامه های آمریکایی پیش نمی رود مانعی بزرگ برای خود به حساب آورند و با ترفندها و تهدیدات خود تلاش کنند تا ضمن منزوی کردن ایران از صحنه سیاست جهانی و منطقه ای در یک جنگ روانی همه جانبه حتی در صورت لزوم با دخالت و حمله نظامی این مانع بزرگ را از میان بر دارند و چه بسا با اشغال نظامی مشابه آنچه که در افغانستان و عراق انجام داده اند کشور ما را مورد تهاجم و حمله خود قرار دهند. سیاست و استراتژی کلی نظام دفاعی ما ایجاب می کند که با این تهدید پیش آمده از سوی امریکا و متعهدانش به شیوه ها و تلاشهای مطابق با این تهدیدات روی بیاوریم. کشور ما در پی حفظ استقلال و



شکل ۱ - ۱

تمامیت ارضی و اولویت بخشی به منافع ملی و وفاداری به شعار انقلابی خود یعنی مردم سالاری دینی بدون پذیرش سلطه جهانی، در معرض حملات و توطئه های داخلی و خارجی و فضایی مملو از تهدیدات نامتقارن می باشد و طبیعی ست که در این چرخه نابرابر فناوری نظامی، استراتژی دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه و پیوستگی مردم و حکومت را با تکیه به اصول یک جنگ نامتقارن فرا روی برنامه ریزی خود قرار دهد.

بنابراین یافتن شناخت این شیوه ها و مولفه ها در قرن حاضر و آگاهی کافی در اجرای این شیوه ها و شناخت میزان تاثیر آنها جهت مقابله با تهدیدات نامتقارن و حتی متقارن موجود از جانب قدرتهای برتر یک نیاز مبرم پژوهشی و تحقیقاتی می باشد و محقق با طرح این مساله که میزان تاثیر بکارگیری شیوه های متداول نامتقارن در نظام دفاعی و نظامی ما در مقابله بت تهدیدات به چه میزانی می باشد، تلاش خود را برای جمع آوری اطلاعاتی در این زمینه آغاز کرد.

اهداف تحقیق

۱- هدف کلی

هدف کلی تحقیق، تعیین میزان تاثیر بکارگیری شیوه ها و مولفه های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی کشور است که برای دستیابی به آن، حصول به اهداف اجرایی و اختصاصی مشروحه زیر ضرورت دارد:

۲- اهداف اختصاصی (اجرایی) :

الف - تعیین میزان تاثیر بکارگیری تسلیحات غیر متعارف (CBRN) به عنوان شیوه ای نامتقارن علیه تهدیدات نظامی .

ب - تعیین میزان تاثیر بکارگیری جنگ اطلاعات ، به عنوان شیوه ای نامتقارن علیه تهدیدات نظامی .

پ - تعیین میزان تاثیر بکارگیری عملیات انتحاری (استشهادی) به عنوان شیوه ای نامتقارن علیه تهدیدات نظامی .

ت- تعیین میزان تاثیر بکارگیری جنگ چریکی درون شهری، به عنوان شیوه‌ای نامتقارن علیه تهدیدات نظامی.

فرضیه‌ها و فرضیه‌های مهم

در این تحقیق، متغیرهای مستقل اثرگذار " شیوه‌ها و مولفه‌های جنگ نامتقارن " و متغیر تابع " مقابله با تهدیدات نظامی علیه کشور " به عنوان متغیرهای اساسی و مورد بحث محقق در نظر گرفته شده‌اند که محقق فرضیه‌های خود را با توجه به اطلاعات و یافته‌های تحقیقات کتابخانه‌ای بطور " قیاسی " از نظریه‌های اندیشمندان و تحلیل‌گران امور نظامی استنتاج کرده است. فرضیه‌های بدست آمده از نظر محتوایی به دلیل ذکر وجود رابطه بین دویا چند متغیر از نوع فرضیه‌های ارتباطی است.

گام نهایی برای اثبات ادعایی که در قالب فرضیه برای تعیین جهت روابط بین متغیرها لازم است، تبدیل فرضیه‌های استنتاجی، که از ابتدا به عنوان فرضیه‌های پژوهشی از آن یاد می‌شود به فرضیه‌های آماری می‌باشد. هدف از انجام تبدیل فرضیه پژوهشی به فرضیه آماری، توانمند کردن محقق در آزمون فرضیه است برای مشخص کردن این موضوع که آیا با توجه به اطلاعات بدست آمده منتج از پژوهش، حدسی که به شکل فرضیه در باره خصوصیتی از جامعه زده شده قابل تایید است یا خیر؟

برای حصول به این هدف، محقق برای بدست آوردن میزان توانایی بکارگیری شیوه-های رویکرد نامتقارن در ساختار دفاعی و نظامی کشور در مقابله با تهدیدات نظامی با استفاده از داده‌های حاصل از پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه کرد. محقق سوالات را از نوع " سوالات چند جوابی مندرج " انتخاب نموده تا توسط آنها بتواند شدت و ضعف تاثیر شاخص‌های اثرگذار را در تعیین ارزش نهایی کمیت متغیرها اندازه‌گیری نماید و بدین وسیله صحت و سقم فرضیه‌های خود را معین و مشخص کند.

۱- فرضیه‌ها

الف - احتمالاً بکارگیری تسلیحات غیر متعارف، شیوه‌ای نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی است.

ب- احتمالاً بکارگیری جنگ اطلاعات، شیوه ای نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی است.

پ- احتمالاً بکارگیری عملیات انتحاری، شیوه ای نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی است.

ت- احتمالاً بکارگیری جنگهای چریکی درون شهری، شیوه ای نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی است.

۲- فرضیه های اهم :

هر چهار مورد ذکر شده در ذیل فرضیه ها به عنوان فرضیه های اهم به شمار می آیند.

انتخاب طرح تحقیق مناسب

طرح تحقیق یا (Research Design) مرحله بعد از تعیین فرضیه ها (Hypothesis) است که جمع آوری اطلاعات و داده ها برای تفسیر نهایی به صورت بررسی یا مطالعه میدانی (Field Survey) انجام می پذیرد که می توان به کمک آن جمع آوری داده ها، و در نهایت فرضیه ها را آزمون و مورد تجزیه تحلیل نهایی قرارداد.

روش اجرای تحقیق

تعیین و تعریف جامعه نمونه :

جامعه آماری مورد تحقیق، امیران، سرداران و افسران ارشد نیروهای مسلح کشور که پیرامون جنگ نامتقارن آگاهی مناسب داشته باشند که از میان یگان های ستادی و صفی نیروهای مسلح کشور جامعه نمونه آن به صورت خوشه ای تصادفی انتخاب گردیده اند.

انتخاب حجم جامعه نمونه :

۱- روش نظری انتخاب حجم نمونه :

بسیاری از نویسندگان مباحث آماری بر اساس یک قاعده تجربی و تخمینی (Rule Of Thumb) معتقدند که صرف نظر از توزیع جامعه آماری حداقل یک نمونه ۳۰ تایی لازم است تا بتوان گفت توزیع آماره (Statistic) - که آماره میانگین

واقعی جامعه می باشد- نرمال است. با توجه به اینکه جامعه آماری مورد تحقیق محرمانه و در دسترس محقق نمی باشد لذا تعداد ۳۰ نفر یعنی حداقل تعداد مورد نیاز تحقیق به صورت نمونه گیری خوشه ای تصادفی تعیین می گردد.

از آنجا که جامعه مورد تحقیق وسیع و گسترده می باشد، انتخاب نمونه از نظر اجرایی مشکل به نظر می رسد بنابراین چند اداره و مرکز (خوشه) در سطح نیروهای مسلح که بنا به وظایف و مسئولیتهای خود نقش بیشتری در طراحی و برنامه ریزی عملیاتی در خصوص مقابله با تهدیدات نظامی در سطح ستاد کل و ستاد مشترک ارتش یعنی ادارات دوم (معاونت اطلاعات) و سوم (معاونت عملیات) و همچنین مراکز علمی، دانشگاهی از دفاع ملی تا فرماندهی و ستاد برعهده دارند. به صورت نمونه گیری مرحله ای / گزینشی و در پایان عناصر نمونه اصلی از میان آنها به طور تصادفی انتخاب شدند.

۲- تعیین روش های جمع آوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات: روشها و ابزار گردآوری اطلاعات از طرق مشروحه زیر بدست آمده است:

اسناد و مدارک: محقق به منظور گردآوری اطلاعات در خصوص موضوع تحقیق به مراکز و دانشگاه های نیروهای مسلح کشور مراجعه و نسبت به جمع آوری اطلاعات از روی منابع اقدام کرده است.

مصاحبه: به منظور کسب نظرات صاحب نظران پیرامون موضوع تحقیق، در قالب یک مصاحبه نیمه رسمی (نیمه هدایت شونده)، ۱۳ سوال باز از فرماندهان آگاه و تحلیل گران مسائل نظامی در سطح نیروهای مسلح به صورت حضوری پرسیده شده، که پس از ضبط صدا از نوار پیاده شدند. چکیده مباحث مطرح شده در مصاحبه آورده شده است. در این روش از مصاحبه، چند سوال هدایت شده مطرح شد و سپس سوالات عمیق تر نیز مطرح گردید.

پرسشنامه: محقق برای بدست آوردن میزان توانایی تاثیر بکارگیری شیوه های رویکرد نامتقارن در ساختار دفاعی و نظامی کشور در مقابله با تهدیدات نظامی با استفاده

از داده‌های حاصل از پرسشنامه اقدام به جمع‌آوری اطلاعات در این زمینه نموده و در اختیار امیران، سرداران و افسران ارشد آشنا به مباحث جنگ نامتقارن قرار داده است. محقق سوالات را از نوع "سوالات چند جوابی مندرج به تعداد ۳۲ سوال" انتخاب کرده تا توسط آنها بتواند شدت و ضعف تاثیر شاخص‌های اثرگذار را در تعیین ارزش نهایی کمیت متغیرها اندازه‌گیری نماید. باید توجه داشت که درجات اختصاص داده شده به هر گزینه در پرسشنامه قید نگردیده‌اند، بلکه این درجات بعداً بر مبنای مقیاس نسبی با فواصل مشخص محاسبه شده و در زمان تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها به منظور تبدیل کیفی آنها به اطلاعات کمی مورد استفاده قرار گرفته اند.

تعاریف مفاهیم صوری و عملیاتی متغیرهای مورد تحقیق :

الف - تعریف صوری :

(۱) جنگ نامتقارن : (Asymmetric Warfare) جنگ نامتقارن جنگی ست که در آن، به منظور دستیابی به اهداف استراتژیک مورد نظر، نیروی تاکتیکی یا عملیاتی خود را بر ضد نقاط آسیب پذیر دشمن بکار گرفته و با هدف تضعیف اراده و میل به جنگجویی او تأثیرات نامتجانس و نامتناسب بر جای میگذارد. در این جنگ با بکارگیری رویکرد های غیر قابل پیش بینی یا غیر معمول با تکیه به نقاط قوت خود و بهره برداری از نقاط ضعف او از طریق تکنیکها یا فناوریهای غیر قابل انتظار و مبتکرانه برای ختنی نمودن یا تضعیف قوای روحی دشمن استفاده می‌شود.

(۲) جنگ اطلاعات : (Information Warfare) به معنی

تغییر توازن دانش و اطلاعات به سود نیروهای خودی با آگاهی از همه فعالیت‌های دشمن و ممانعت از دسترسی او به اطلاعات مربوط به خود است.

(۳) تسلیحات کشتار جمعی یا غیر متعارف (Weapons

(Of mass Destruction) به کلیه سلاح های شیمیایی، میکربی، هسته ای و رادیولوژیکی (پرتوی) می گویند که با قابلیت مرگباری بسیار زیاد و ایجاد آلودگی شدید محیط زیست همراه هستند و استفاده از آن باعث ایجاد هراس عمومی و خسارت های غیر قابل جبران و طولانی مدت بر روی انسان، محیط و ارگانیسم موجودات زنده می گردند.

(۴) عملیات انتحاری (suicide bombing operations)

به کلیه عملیاتی که در آن اعضاء گروه های ضعیف تر، علیه دشمنان اساسی و پر قدرت خود، با فدا کردن خود به عنوان اسلحه ترور، وارد جنگ نابرابر می شوند آنگاه که موفقیت انجام روش های دیگر مبارزاتی با هزینه کمتر امکان پذیر نباشد.

(۵) جنگ چریکی درون شهری : (Urban Warfare)

طرح ریزی و هدایت هر نوع عملیات رزمی بر علیه هدف های نظامی در یک مجموعه مسکونی شهری و منطقه طبیعی مجاور آن که با تاسیسات مصنوعی ساخت بشر و تراکم جمعیتی افراد غیر نظامی مشخص می شود.

ب- تعریف عملیاتی :

تهدیدات نظامی علیه کشور به عنوان متغیر تابع و همچنین شیوه های جنگ متقارن به عنوان متغیر های مستقل گسسته تاثیر گذار در این تحقیق در نظر گرفته شده اند. شاخص های کیفی چند ارزشی اثرگذار در شیوه های مختلف جنگ متقارن (عملیات استشهادی، تسلیحات غیرمتعارف، جنگ اطلاعات و جنگ چریکی درون شهری) مطرح شده اند که محقق با طرح سؤالاتی این شاخص های چند ارزشی را از طریق طیف لیکرت یعنی خیلی کم، کم متوسط، زیاد و خیلی زیاد در ۵ درجه ارزش گذاری واز جامعه نمونه پرسش می کند و نتایج حاصله را از طریق آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار می دهد و سپس به کمک مقادیر نمونه، آماره ها را بدست آورده و به کمک آزمون فرض آماری، آماره ها را به پارامترهای جامعه تعمیم خواهد داد.

این شاخص های کیفی چند ارزشی به طور خلاصه شامل موارد زیر هستند :

- توانایی بکارگیری، تکنولوژی ساخت و نگهداری تسلیحات
- چهارگانه غیرمتعارف شیمیایی، هسته‌ای، میکربی و پرتوی
- ساختار علمی و تخصصی نیروهای مسلح، توانایی بکارگیری
- ارتباطات ماهواره‌ای، ارتباطات شبکه‌ای، قدرت رسانه‌ای، تسلیحات هوشمند
- و فریب نظامی در زمینه جنگ اطلاعات
- توانایی بکارگیری عملیات شهادت‌طلبانه در سه عرصه هوایی، زمینی و دریایی، میزان انگیزه‌های دینی و میهنی، میزان ابزار و امکانات در زمینه انجام عملیات استشهادی
- توانایی بکارگیری عملیات شهری درونی (کشور خودی) و بیرونی (داخل کشور مهاجم)، ابزار و فناوری نیروهای مسلح، محیط مصنوعی و طبیعی کشور و میزان آموزش تیم‌های ویژه در عملیات درون شهری
- نتیجه نهایی تحقیق پس از جمع‌آوری داده‌های حاصل از پرسشنامه و مصاحبه در خصوص متغیرهای مستقل گسسته موثر در میزان توانایی نیروهای مسلح جهت مقابله با تهدیدات نظامی در یک جنگ نامتقارن بوسیله تجزیه و تحلیل آماری بر مبنای مقیاس نسبی با فواصل زیر محاسبه می‌گردند.

۱-۲۰	۲۱-۴۰	۴۱-۶۰	۶۱-۸۰	۸۱-۱۰۰
↓	↓	↓	↓	↓
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد

تجزیه و تحلیل اطلاعات

الف : سوالات مصاحبه:

تجزیه و تحلیل مشروح مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که به طور کلی، معنی و مفهوم جنگ نامتقارن از یک قرابت و تشابه معنایی و لغوی در ذهن و بینش ادبیات نظامی مصاحبه شوندگان برخوردار است و آن حاکمیت عدم تقارن و تجانس، ناهمگنی و

نابرابری بسیار زیاد دو نیروی مخاصم به گونه‌ایکه طرف قوت‌تر شرایط روی‌آوری طرف ضعیف‌تر را به رویکردهای " جنگ نامتقارن تحمیل می‌کند. طرف قوی‌تر خواهان اتمام جنگ با هزینه کمتر و طرف ضعیف‌تر خواهان ضربه‌زدن به طرف قوی و انصراف او از دستیابی به اهداف راهبردی می‌باشد.

اکثر قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان جایگاهی برای استفاده از تسلیحات کشتار جمعی و غیر متعارف CBRN در دکترین و سیاست راهبردی نظامی کشور قایل نیستند و استفاده از آن را مغایر با اصول حاکمیت نظام ارزشی دولت اسلامی - شیعی کشور تلقی می‌کنند.

همه مصاحبه‌شوندگان تقسیم‌بندی شیوه‌های مرسوم جنگ نامتقارن را منحصر به چهار شیوه ذکر شده در اهداف پژوهش حاضر نمی‌دانند و معتقدند، پرداختن به رویکردهای دیگری غیر از این موارد نیز با توجه به تجارب قبلی حاصل شده در جنگ تحمیلی و سابقه دفاعی مردم ایران در جنگهای پیشین، استعداد و توان نظام دفاعی کشور میسر است، که خود را در عرصه عمل و میدان و صحنه‌های واقعی مبارزه با تهدیدات نشان خواهد داد.

همه معتقدند که قدرت نظامی کشور در عرصه " جنگ اطلاعات " کافی نیست ولی این به منزله واگذاری این عرصه به دشمن با ماهیت عدم تقارن نیز تلقی نمی‌شود. کشور ما قادر است با تکیه بر قوه ابتکار و نوآوری ساده و حتی فناورانه به پاسخگویی در عرصه " فضای اطلاعاتی " بپردازد.

همه معتقدند که نظام دفاعی کشور از قدرت و پتانسیل زیادی در دو رویکرد " عملیات استشهادی " و " جنگ درون شهری " در نبردهای نامتقارن برخوردار است. ولی شرط اساسی تحقق آنها را وفاق ملی و تکیه بر رهبری واحد و کاریزماتیک می‌دانند. اینکه کدام شیوه از شیوه‌های چهارگانه در جنگ نامتقارن کشور در مقابله با تهدیدات موثرتر است نظرات گوناگونی وجود داشت ولی عمداً بر جنگ درون‌شهری و عملیات استشهادی دور می‌زند.

ب : تجزیه و تحلیل منابع مطالعه

مطالعه منابع کتابخانه‌ای در خصوص جنگ نامتقارن نشان می‌دهد که جنگ نامتقارن زاده "عدم تقارنی" است که همواره در جنگها به عنوان عامل تعیین کننده مطرح بوده و هست. این عدم تقارن گاه در اراده و روحیه جنگاوری و ایمان به هدف و حتی نهراسیدن از شکست تاکتیکی و کشته شدن جلوه‌گری می‌کرد و گاه در برتری فیزیکی جنگ از لحاظ برتری قوا، ابزار و تسلیحات.

جنگ نامتقارن به عنوان نبردی که از شکل هنجار کلاسیک و قاعده طبیعی خارج شده و از روشی غیر مستقیم برای تاثیر گذاری بر یک نیروی نابرابر و نامتعادل سود می‌جوید، بیان شده است، (دیوید گرینچ ۲۰۰۰) که اساس آن بر هم زدن موازنه عدم تقارن بین دو نیروی متخاصم نامگون در راستای بهره‌برداری استراتژی از قابلیت‌های تاکتیکی می‌باشد. نتیجه نهایی آن، نقصان اراده و عزم به ادامه نبرد در طرف برخوردار از تقارن مثبت خواهد بود. ممکن است این رویکردها تاکتیکی باشد ولی باید تاثیر روانی آن را باید در سطح استراتژیک جستجو کرد. این ویژگی یعنی تمرکز مداوم بر تاثیر استراتژیک مشخصه اصلی و متمایز جنگ نامتقارن است. (مکنزی ۲۰۰۱).

بررسی و مطالعه نهایی تجزیه و تحلیل منابع اطلاعات، تقسیم بندی محقق را تا حدودی محافظه‌کارانه و نسبی در خصوص تعیین و تشخیص مولفه‌های چهارگانه جنگ نامتقارن مورد تایید قرار می‌دهد. که البته دلیل تفاوت آن هم بنا به توجه تحلیل‌گران (عمداً امریکایی) به نقاط آسیب‌پذیر نیروهای خودی بوده و در نتیجه توانایی‌های کشورهای دیگر را در حوزه‌های نامتقارن دیگر مورد توجه کافی قرار نمی‌دادند.

این عقیده که کشورهای ضعیف‌تر یا گروهها و عوامل غیر حکومتی در پی یافتن روشهای مبتکرانه برای جبران ضعف خود هستند پایه و اساس جنگ نامتقارن را تشکیل می‌دهد (مکنزی ۲۰۰۱). روبرت الن (Robert H. Allen) در سال ۱۹۹۷ اولین تقسیم بندی تهدیدات نامتقارن را در سه حوزه عملیات تروریستی، تسلیحات کشتار جمعی و جنگ اطلاعات ذکر کرد. دانشگاه دفاع ملی امریکا در ارزیابی استراتژیکی سال ۱۹۹۸ خود در فصل ۱۱ تحت عنوان تهدیدات نامتقارن

Asymmetric Threats نوشته پیترو ویلسون، استفاده از تسلیحات کشتار جمعی (CBRN) بوسیله موشکهای قاره پیمای بالستیکی، تسلیحات هوشمند، جنگ اطلاعات و رسانه ای و جنگ درون شهری را به عنوان مولفه‌ها و شیوه‌های اعمال تهدید نامتقارن معرفی کرده است. در فرهنگ رسانه‌ای کشورها، عملیات استشهادی و انتحاری تحت نام‌های مختلف به عنوان تاکتیکی نامتقارن موثر شناخته شده است. مکنزی در کتاب "جنگ نامتقارن" خود در فصل پایانی در پاسخ به سوال "تهدیدات نامتقارن پیش روی امریکا کدامند؟" متذکر شده که این کار مستلزم ایجاد یک نوع‌شناسی گسترده از جنگ نامتقارن است و بدنبال آن ۶ روش و تهدید نامتقارن را شناسایی و معرفی کرده: هسته‌ای، شیمیایی، بیولوژیکی، عملیات‌های اطلاعاتی، مفاهیم عملیاتی جایگزین و تروریسم. در خصوص بکارگیری شیوه‌ها و مولفه‌های جنگ نامتقارن، موارد متعددی در منابع مختلف ذکر شده که کاربرد و استفاده از آنها را در طول تاریخ درگیری‌ها و مخاصمات با اهداف راهبردی نامتقارن نشان می‌دهد.

تسلیحات غیرمتعارف:

منابع مطالعه، استفاده از تسلیحات غیرمتعارف را در طول تاریخ مورد تایید قرار می‌دهد. از قرن دوازدهم «سلاح غیر متعارف بیولوژیکی» طاعونی مغولها تا قرن بیستم توسط عراق و حتی در سالهای اخیر توسط امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها این تسلیحات بکرات بکار گرفته شده‌اند.

در خصوص بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف کشتار جمعی در نبرد نابرابر و با ماهیت نامتقارن علیرغم عملی بودن آن این نکته را نباید از نظر دور داشت که صرف‌نظر از پیامدها و تاثیرات غیرقابل انکار بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف در صحنه جنگ از قبیل سد کردن تجاوز دشمن با قدرت برتر نامتقارن و هم پیمانان نظامی اش، شکست دشمن توانمند در عرصه نظامی، به زانو در آوردن دشمن با محدود ساختن توان رزمی آن، تضعیف اراده سیاسی دشمن، انتقام، ممانعت از تشکیل ائتلافهای منطقه‌ای و بین‌المللی، عوارض و آسیب‌های حاصل از استفاده و کاربرد این نوع از ابزارهای جنگی شامل تلفات جانی و مالی گسترده، آلودگی محیط زیست، ایجاد هراس و وحشت

عمومی، امداد رسانی پر هزینه و تخصصی، ایجاد خسارتها اقتصادی، تزلزل در اقتصاد ملی، تهدید و حتی از میان رفتن جایگاه استراتژیک، ایجاد تغییرات سیاسی و دفاعی، خدشه وارد شدن امنیت ملی، بکارگیری این تسلیحات را در عرصه بین‌المللی با اشکال جدی و انتقادات شدید روبرو ساخته است (ریچارد فالکنترت، رابرت نیومن، برادلی تایر : ۱۹۹۷).

بعد از توسعه بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف شیمیایی در جنگ اول جهانی و جلب شدن توجه مجامع بین‌المللی به اثرات مخرب این نوع از سلاح‌ها، کشورها طی قراردادهای، محدود در ساخت و بکارگیری آنها شدند اولین آن در سال ۱۹۲۵ طی پروتکل ژنو و آخرین آن هم در ۱۹۹۳ به دنبال کاربرد وسیع رژیم صدام در جنگ علیه ایران و سرکوبی کردها به تصویب و تایید کشورهای امضاء کننده رسید.

بررسی و مطالعه نهایی تجزیه و تحلیل منابع مطالعه و اطلاعات، ادعای محقق را در خصوص بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف به عنوان شیوه‌ای موثر مورد تردید قرار داده است. طرح این فرضیه از سوی محقق به دنبال مطالعه منابع مختلف با معرفی این مولفه از طرف تحلیل‌گران نظامی از قبیل روبرت الن ۱۹۹۷ پیتسر ویلسون ۱۹۹۸، مکنزی ۲۰۰۱ و به عنوان شیوه موثر نامتقارن، بود.

البته مطالعه منابع این نکته را مورد تایید و تاکید قرار می‌دهد که توانایی دفاعی کشور جمهوری اسلامی ایران در تولید و ساخت و حتی کاربرد تسلیحات غیرمتعارف یک توانایی غیر قابل انکار می‌باشد. (هاسل کورن ۱۹۹۹)

مطالعه دقیق این منابع همچنین نشان می‌دهد که برخورداری ایران از توانایی ساخت و کاربرد تسلیحات غیرمتعارف اگرچه توسط منابع رسمی سیاسی و نظامی ایران مورد تایید قرار نگرفته ولی توانسته نقش بازدارنده‌ای خود را ایفا کند. این مطلب از گزارش هفتم آژانس اتمی و همچنین نکات مذکور در کتاب طوفان بی پایان نوشته هاسل کورون به خوبی مشهود است.

جنگ اطلاعات

اما در خصوص مولفه و شیوه نامتقارن " جنگ اطلاعات " مطالعه منابع موارد زیر را مورد تاکید قرار داده است. تجزیه و تحلیل منابع علمی نشان می‌دهد که بنیانهای نظامی به تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی مبتنی بر شبکه های الکترونیکی که عملاً غیر نظامی هستند، شدیداً وابسته شده‌اند. این وابستگی ناخواسته آنها را درگیری جبهه جدیدی از نبرد به نام " جنگ اطلاعات " کرده است. نکته قابل توجه این است که ارتش ها برای انجام چنین جنگهای، نه آموزش دیده اند و نه دارای ساختار سازمانی مناسب برای طراحی، تمرین و انجام چنین جنگها و حملات غیر نظامی هستند.

نتیجه نهایی آن پیچیده تر شدن تصمیم گیری و فرماندهی در واحدهای نظامی و عدم تمایز مشخص، بین اهداف نظامی و غیر نظامی است. این موضوع سبب شده تا تکنولوژی اطلاعاتی هم به سلاحی ویرانگر و هم خود به هدفی برای تخریب و نفوذ امنیتی و نظامی تبدیل شود.

نیروی نظامی باید برای جنگ در تمام سطوح جامعه سازمان یابد و این به معنای تغییر سازمان و دکترین نظامی است. برای مقابله با جنگ شبکه ای، طرح سلسله مراتبی ساختارهای نظامی حاضر به صورت مؤثر و کارا متناسب نیست.

تفسیر نهایی مطالب فوق نظر محقق درخصوص اهمیت " جنگ اطلاعات " و انتخاب آن به عنوان شیوه‌ای نامتقارن را مورد تایید قرار می‌دهد و استفاده بهینه از همه حوزه‌های آن متضمن تغییر سازمان و دکترین نظامی است. ضمن آنکه تقسیم‌بندی حوزه‌های مختلف این شیوه نیز مورد تاکید و اهمیت ویژه می‌باشد. که البته با کمی اختلاف مثل آنکه در تحلیل ونگ بایکون، لی فی و بیجینگ چینی دیده می‌شود، همراه است.

جنگ روانی، فریب نظامی، جنگ الکترونیک، تسلیحات هوشمند، جنگ شبکه‌ای، جنگ سبیرتیک و جنگ رسانه‌ای از شاخه‌های مهم جنگ اطلاعاتی هستند که وابستگی خاصی به ابزار و تکنولوژی و رسانه‌های جمعی دارد که به نظر می‌رسد، با توجه به

زیرساخت‌های رسانه‌ای در نظام دفاعی کشور، توانایی ما را در بکارگیری این شیوه‌ها به عنوان ابزار یک حمله نامتقارن مورد تردید قرار می‌دهد.

عملیات انتحاری یا استشهادی

منابع مطالعه از این شیوه به عنوان یک شیوه کارآمد در درگیری‌های نابرابر و نامتقارن یاد می‌کنند (گول لاف ۲۰۰۳ - ژولین مدسن ۲۰۰۲ - دیوید برانان ۲۰۰۲ - اسکات اتران ۲۰۰۴). کارآمدی حملات انتحاری ناشی از یک تحلیل عدم تقارن، مبتنی بر محاسبه هزینه و بازده است که براساس آن موثرترین روش از جانب یک سازمان یا گروه و یا حتی یک کشور و نیروهای دولتی می‌باشد که می‌تواند برای وارد آوردن بیشترین خسارت، همزمان با متحمل شدن کمترین هزینه به کار گرفته شود. به زبانی ساده حملات انتحاری بیانگر نوع دیگری از بازدهی کارآمد است بدین معنا که به صورت کاملاً موثر ارزان و با سازماندهی آسان به کار گرفته می‌شود. این منطق استراتژیک و عقلانیت نهفته در سازمان‌هایی همچون القاعده، حماس و بره‌های تامیل در به کارگیری حملات انتحاری تائیدکننده این مطلب است که عاملان حملات انتحاری، نه غیرمعقول بوده و نه انسان‌هایی دیوانه هستند (ژولین مدسن ۲۰۰۲).

برخلاف پیش‌پندارهای معمول، حملات انتحاری نه یک پدیده جدید است و نه اینکه منحصرأ ملهم از گرایش‌های مذهبی است. به همین ترتیب این پیش‌فرض که حملات انتحاری چیزی است که تا حدودی به صورت انحصاری مرتبط با اسلام و خاورمیانه باشد پنداری غلط است. عاملان و سازمان‌دهندگان حملات انتحاری صرفاً دارای گرایش‌های مذهبی و یا سنت‌های فرهنگی خاص نیستند. حملات انتحاری همواره هم از جانب گروه‌های مذهبی و هم از جانب گروه‌های سکولار و غیرمذهبی مورد استفاده قرار گرفته است (ژولین مدسن ۲۰۰۲).

تفسیر نهایی شیوه نامتقارن عملیات انتحاری بر اساس متون ارائه شده در این زمینه نظر محقق را در درستی این مولفه به عنوان شیوه‌ای کارآمد در نبردهای نامتقارن تائید و تاکید می‌کند.

جنگ چریکی درون شهری

جنگ درون شهری به عنوان آخرین گزینه در یک نبرد نابرابر ولی به عنوان مشخصه بزرگ جنگ‌های قرن بیست و یکم که عصر واحد‌های عملیاتی مستقل کوچک نام گرفته است، مطرح است. (پاتریک مارکس ۱۹۹۰) دلیل این انتخاب، آن است که جنگ درون شهری دارای یک ابزار استراتژیکی "خود دفاعی پیشگام مردمی" است که قادر می‌باشد به سرعت توسعه و گسترش یابد و از پتانسیل قوی "فضای دفاعی" مناسب برخوردار است (پل ویریلیو ۲۰۰۱).

کشیده شدن جنگجویان و چریکها به درون شهرها یک تاکتیک اجباری برای مبارزه و مقابله با دشمن برتر با ماهیت اشغالگری که نتیجه دخالت مستقیم قدرت‌های قوی در کنترل و ادامه سلطه‌ست، محسوب می‌شود. آنها محیط شهری را به عنوان تنها و آخرین سنگر برای بدام انداختن و ضربه زدن به نیروهای دشمن قوی‌تر در یک نبرد نابرابر و ناهمگن با ماهیت عدم تقارن انتخاب کرده‌اند.

با توجه به مباحث مطرح شده در ادبیات تحقیق پژوهش حاضر و تجزیه و تحلیل نهایی آنها، انتخاب این شیوه را به عنوان یک تاکتیک اجباری نامتقارن موثر در مقابله رویاروی با یک دشمن قوی اشغالگر تایید می‌کند.

سوم: تجزیه و تحلیل پرسشنامه

داده‌هایی که بوسیله روشهای مطالعه منابع، مصاحبه، پرسشنامه و نظر خواهی گردآوری شده‌اند، منبع اساسی و اصلی برای کسب اطلاعات جدید در باره تاثیر شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی کشور می‌باشند که بعد از جمع‌آوری داده‌ها موضوعاتی را که در اهداف تحقیق مطرح و مشخص شده‌اند در قالب نمودارها و جداول آماری مورد تجزیه و تحلیل آماری دقیق قرار می‌دهیم تا مشخص شود:

که چه نکات کلی را در باره جنگ نامتقارن و همینطور مقابله با تهدیدات نظامی علیه کشور می‌توان استخراج کرد؟

و آیا فرضیه‌های ارائه شده با داده‌ها مطابقت دارد یا اینکه در تناقض است؟

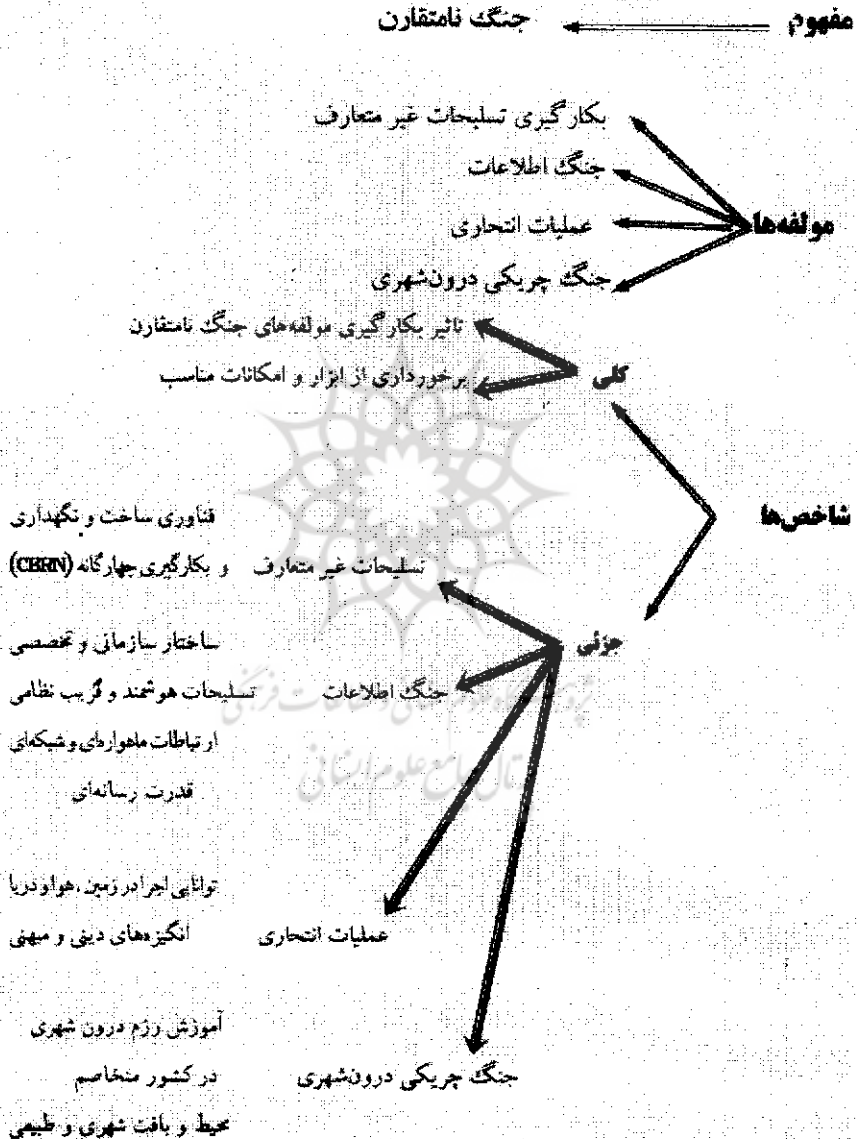
و یا اینکه داده ها نظریه جدیدی را برای تبیین تاثیر شیوه های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی بیان می کنند؟

جنگ نامتقارن " مفهومی "ست کلی از مقوله " مفاهیم نظری " که ناچاریم برای مشاهده و تفسیر کمی آن از فرآیند شاخص سازی مطابق الگوی زیر استفاده کنیم:



نمودار بالا نشان می دهد که یک مفهوم می تواند مستقیماً توسط شاخص های، قابل اندازه گیری و مشاهده کمی شوند و هم اینکه ابتدا به مولفه های تقسیم و سپس برای هر کدام شاخص یا شاخص های کلی و جزئی تعریف و مشخص کرد. باید توجه داشت شاخص ها نقش اساسی را در عینی کردن و قابل مشاهده کردن یک مفهوم نظری یا انتزاعی بر عهده دارند. حال با توجه به نکات ذکر شده، فرآیند عملیاتی کردن یا مشهود سازی مفهوم " جنگ نامتقارن " را به صورت زیر ترسیم می کنیم.

فرآیند عملیاتی کردن یا مشهود سازی مفهوم "جنگ نامتعارف"



همانطور که در طرح بالا مشاهده می شود بعد از مشخص شدن " مفهوم " یعنی جنگ نامتقارن روند عملیاتی کردن فرضیه ها در راستای مولفه ها و شیوه ها جهت داده شده است تا ضمن مختصر کردن مطالعه و حوزه تحقیق کار جمع آوری و تفسیر داده ها به سهولت و درستی انجام پذیرد.

تجزیه و تحلیل سوالات جهتی جامعه نمونه

(۱) : تجزیه تحلیل شاخص ها و آزمون فرضیه ها

بیان فرضیه اول : بکارگیری تسلیحات غیر متعارف، شیوه ای نامتقارن موثر در

مقابله با تهدیدات نظامی کشور است.

به منظور آزمون این فرضیه ۵ شاخص بکارگیری تسلیحات غیر متعارف، فناوری ساخت و نگهداری تسلیحات هسته ای، شیمیایی، میکروبی و پرتوزا در قالب ۵ سوال زیر از جامعه آماری بوسیله پرسش نامه پرسیده شد که تجزیه و تحلیل نهایی آن به شرح زیر می آید:

- | | |
|---|---|
| ✓ | شرح و تفسیر جدول های مربوط به شاخص ها |
| ✓ | پیدا کردن شاخص های مرکزی و پراکندگی |
| ✓ | تعمیم دادن داده ها به جامعه آماری |
| ✓ | آزمون استقلال فراوانی های شاخص ها به کمک آزمون |
| ✓ | خی دو |
| ✓ | آزمون فرضیه ها توسط مراحل چهارگانه (فرضها ، آماره |
| | آزمون، مقدار بحرانی ، تصمیم گیری) و جدول توافقی ^۲ برای رد یا تایید |
| | آنها |
| ✓ | از آنجا که پژوهشگر از مقیاس اندازه گیری " اسمی " استفاده کرده است بنابراین ملزم به استفاده از آزمون های غیر پارامتریک |

شده است که از میان آنها " آزمون خی دو " را برای آزمون فرضیه‌های خود انتخاب کرده است .

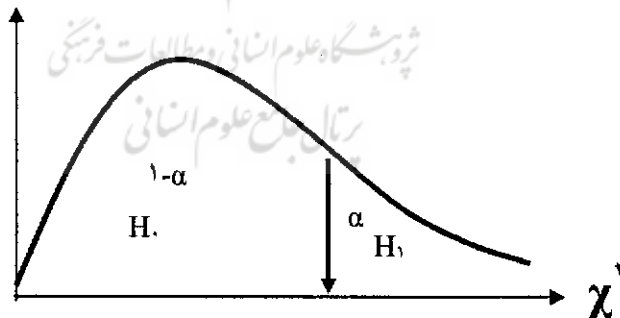
✓ درجات آزادی در هر شاخص آماری مساوی تعداد ارزش‌های است که آزادانه دستخوش تغییر می‌شوند . مطابق یک قانون کلی برابر است با حاصل ضرب تعداد ردیف‌های هر جدول منهای یک در تعداد ستون‌های آن منهای یک یعنی:

$$d.f = (Row - 1) \times (Column - 1)$$

آزمون استقلال فراوانی‌ها:

آزمون χ^2 یا توزیع کای-مربع برای بررسی استقلال یا همبستگی بین دو متغیر بکار می‌رود چنانچه χ^2 محاسبه شده از نظر آماری معنادار نباشد فرض استقلال یا عدم وابستگی متغیرها یا فرض صفر H_0 تایید می‌شود اما اگر χ^2 از نظر آماری معنادار شود فرض صفر رد می‌شود و فرض مقابل H_1 تایید می‌شود نتیجه آنکه دو متغیر مستقل نیستند بلکه به هم وابسته می‌باشند و همبستگی دارند.

آزمون استقلال کای -- مربع یک آزمون یک دنباله است که همواره H_1 به اندازه α در دنباله راست آن تعریف خواهد شد.



مقدار بحرانی از جدول خی دو

بنا به شکل بالا اگر مقدار مجذورکای χ^2 از مقدار بحرانی بدست آمده بیشتر باشد در محدوده H_1 قرار می‌گیرد و بنابراین H_1 پذیرفته (وجود رابطه معنادار و بنابراین وجود همبستگی و وابستگی بین دو متغیر) و H_0 رد می‌شود و بالعکس اگر مقدار مجذورکای χ^2 از مقدار بحرانی بدست آمده از جدول پیوست کمتر باشد در محدوده

H_0 قرار می‌گیرد و بنابراین H_0 پذیرفته (عدم رابطه معنادار) و یعنی رابطه‌ای بین متغیرهای مورد نظر وجود ندارد. این موضوع محقق را قادر ساخته است تا از هر شاخص به صورت جداگانه اطلاعات آماری آن را استخراج و در تحلیل‌های دیگر مرتبط با موضوع از آنها بهره ببرد. لازم به ذکر است که محقق نیز به دلیل استفاده از آزمون‌های غیرپارامتریک از "آزمون خی دو" برای آزمون نهایی فرضیه‌های خود به کمک جداول توافقی استفاده کرده است.

اولین شاخص از فرضیه اول به صورت زیر به عنوان نمونه آورده می‌شود:

سوال اول (فرضیه اول) - به چه میزان توانایی نیروهای مسلح کشور را در

بکارگیری تسلیحات غیر متعارف (هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و پرتوزا) علیه

تهدیدات نظامی کشور کافی می‌دانید؟

الف: خیلی زیاد ب: زیاد ج: متوسط د: کم ه: خیلی کم

میزان توانایی بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف



میزان توانایی بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف

منبع: داده‌های حاصل از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها

شرح و تفسیر جدول: اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که جامعه نمونه میزان

توانایی بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف (هسته‌ای، شیمیایی، میکروبی و پرتوزا) را

علیه تهدیدات نظامی کشور، ۷ درصد خیلی زیاد، ۳ درصد زیاد، ۷ درصد متوسط، ۳۰ درصد کم و ۱۳ درصد خیلی کم پاسخ داده‌اند. تعداد ۱۲ نفر و یا ۴۰ درصد از پرسش‌شوندگان از دادن پاسخ به سوال فوق اجتناب کرده‌اند. نتیجه آنکه جامعه نمونه توانایی بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف را علیه تهدیدات نظامی به میزان کم و خیلی کم ارزیابی می‌کنند. ضمن اینکه ۴۰ درصد از جامعه نمونه یا از میزان این توانایی هیچ آگاهی نداشته و یا اینکه پاسخ به آن را در شرایط موجود مناسب ندیده‌اند.

آزمون نهایی فرضیه اول :

بیان فرضیه اول : بکارگیری مولفه تسلیحات غیر متعارف، شیوه ای نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی کشور است.

فرض صفر H_0 : بکارگیری مولفه تسلیحات غیرمتعارف شیوه نامتقارن

موثر در مقابله با تهدیدات نظامی نامتقارن علیه کشور نیست.

فرض مقابل H_1 : بکارگیری مولفه تسلیحات غیرمتعارف شیوه نامتقارن

موثر در مقابله با تهدیدات نظامی نامتقارن علیه کشور است.

با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که جامعه آماری، تخمین فاصله‌ای میانگین شاخص‌های

مولفه بکارگیری تسلیحات غیرمتعارف را در مقابله با تهدیدات نظامی نامتقارن با

حدود ۳ تا ۳۸ ارزیابی می‌کنند. میانگین نهایی شاخص‌ها با میزان (μ_x) میانگینی

۲۰/۵ یعنی "خیلی کم" برآورد می‌شود

آزمون فرض آماری فرضیه اول:

مرحله یکم : تعریف فرضیه‌های آماری H_0 و H_1

مرحله دوم : تعیین آماره آزمون

میانگین شاخص‌های فرضیه اول

میانگین میانگین‌های جایزه آماری	واریانس شاخص‌ها	طبقه اختصاص یافته	شاخص‌ها
۲۲/۲	۵۱۰/۵	کم (۲۰ تا ۳۰)	توانایی بکارگیری تسلیمات غیرمتعارف
۲۲/۵۶	۲۹۲/۲	کم (۲۰ تا ۳۰)	ساخت و نگهداری سلاح مستهای
۱۸/۵۶	۲۶۸/۶	خیلی کم (۲۰ تا ۳۰)	ساخت و نگهداری سلاح شیمیایی
۱۶/۹۲	۲۶۰/۵	خیلی کم (۲۰ تا ۳۰)	ساخت و نگهداری سلاح میکروبی
۳۸/۷۶	۲۶۶/۵	خیلی کم (۲۰ تا ۳۰)	ساخت و نگهداری سلاح بیوتوزا
۱۰۲/۹۲	۱۸۹۸	کم	جمع کل Σ
$\mu = ۲۰/۵۸$	$\delta^2 = ۳۷۹/۶$	۲۰/۵۸	میانگین نهایی

$$\mu = \frac{\sum \mu_i}{n} = \frac{102/92}{5} = 20/58$$

میانگین میانگین‌های آماری شاخص‌های متغیر تابع فرضیه اول

$$s^2 = \frac{\sum s_i}{n} = \frac{1898}{5} = 379/6$$

میانگین واریانس‌های شاخص‌ها

$$s = \sqrt{379/6} = 19/48$$

انحراف معیار میانگین شاخص‌ها

$$s_{\bar{X}} = \frac{s_X}{\sqrt{n}} = \frac{19/48}{\sqrt{5}} = 8/73$$

خطای انحراف معیار میانگین شاخص‌ها

$$P[20/58 - 1.96 \times 8/73 \leq \mu_X \leq 20/58 + 1.96 \times 8/73] = 95\%$$

تخمین فاصله‌ای میانگین شاخص‌ها

$$3 \leq \mu_X \leq 38$$

برای محاسبه آماره کل آزمون باید همه فراوانی‌های مشاهده شده F_o و مورد انتظار F_e را در جدول زیر نوشته و سپس مجموعه کل را با توجه به فرمول زیر بدست آوریم:

$$\chi^2 = \sum \frac{(F_o - F_e)^2}{F_e}$$

مقدار مورد انتظار F_e را از حاصل ضرب جمع هر سطر در جمع هر ستون تقسیم بر n بدست می‌آید. هر سطر دارای فراوانی مورد انتظار F_e مشابه می‌باشد.

جدول نواقعی تعیین آماره آزمون شاخص‌های فرضیه اول

شاخص / طبقات	اول			دوم			سوم			چهارم			پنجم			Σ
	F_o	F_e	χ^2	F_o	F_e	χ^2	F_o	F_e	χ^2	F_o	F_e	χ^2	F_o	F_e	χ^2	
خیلی زیاد	۲	۱/۸	۱/۸	۲	۱/۸	۱/۸	۰	۱/۸	۱/۸	۰	۱/۸	۱/۸	۰	۱/۸	۱/۸	۲
زیاد	۱	۱/۸	۱/۸	۱	۱/۸	۱/۸	۰	۱/۸	۱/۸	۰	۱/۸	۱/۸	۲	۱/۸	۱/۸	۳
متوسط	۲	۵	۱/۸	۵	۵	۱	۷	۵	۱/۸	۶	۵	۱/۸	۵	۵	۱	۲۵
کم	۹	۵/۸	۱/۸	۷	۵/۸	۱/۸	۵	۵/۸	۱/۸	۲	۵/۸	۱/۸	۴	۵/۸	۱/۸	۲۹
خیلی کم	۴	۵/۶	۱/۶	۳	۵/۶	۱/۶	۶	۵/۶	۱/۶	۸	۵/۶	۱/۶	۷	۵/۶	۱/۶	۲۸
بدون پاسخ	۱۲	۱۲	۰	۱۲	۱۲	۰	۱۲	۱۲	۰	۱۲	۱۲	۰	۱۲	۱۲	۰	۶۰
Σ	۳۰		۵/۸	۳۰		۳/۲	۳۰		۶/۵	۳۰		۳/۳	۳۰		۳/۵	۱۵۰

تذکر: سطر بدون پاسخ جزء طبقات پاسخ محسوب نمی‌شود.

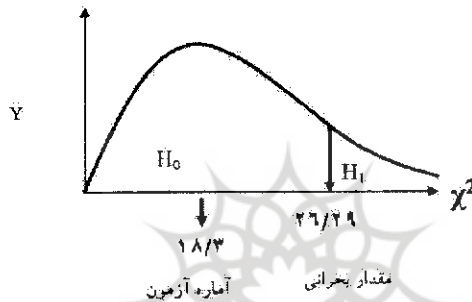
$$۳/۲ + ۲/۵ + ۳/۳ + ۳/۵ = ۱۸/۳ \quad \text{آماره آزمون}$$

$$\sum \chi^2 = ۵/۸ +$$

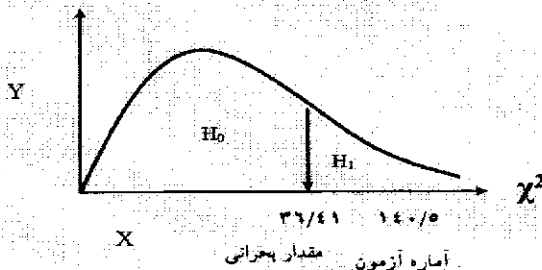
مرحله سوم : مقدار بحرانی با توجه به جدول سطح زیر منحنی دنباله راست توزیع کای - مربع درجه آزادی ۱۶ و سطح خطای ۰/۰۵ مقدار ۲۶/۲۹ بدست می آید .

مرحله چهارم : تصمیم گیری

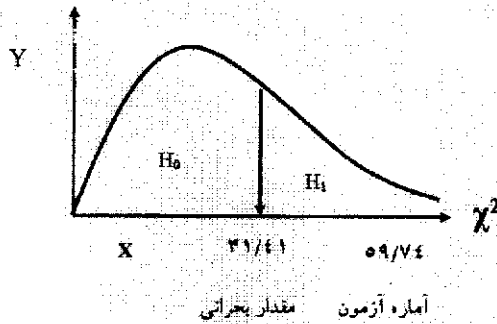
چون آماره آزمون از مقدار بحرانی کوچکتر است بنابراین آماره آزمون در ناحیه H_0 قرار می گیرد در نتیجه فرضیه صفر H_0 پذیرفته می شود یعنی به عبارت دیگر بکارگیری مولفه تسلیحات غیرمتعارف شیوه نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی نامتقارن علیه کشور نیسا



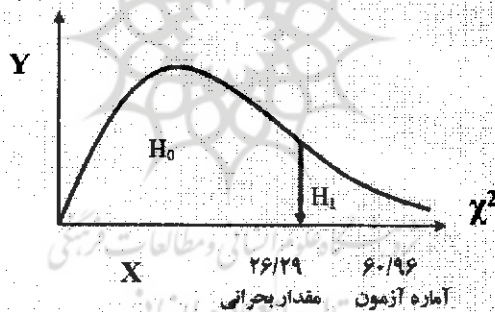
با عملیات مشابه محقق توانست هر سه فرضیه باقی مانده را مورد آزمون قرار داده که نتایج آن به صورت آزمون استقلال کای - مربع در اشکال زیر نمایش داده می شود.
الف- تایید فرضیه دوم، سوم و چهارم به دلیل آنکه آماره آزمون از مقدار بحرانی بزرگتر است بنابراین آماره آزمون در ناحیه H_1 قرار می گیرد در نتیجه فرضیه صفر H_1 پذیرفته می شود و فرضیه H_0 رد می شود (H_1 فرضیه مقابل)
یعنی : فرضیه دوم : بکارگیری مولفه جنگ اطلاعات، شیوه نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی کشور است پذیرفته می شود و تایید می گردد.



فرضیه سوم: بکارگیری مولفه عملیات انتحاری یا استشهادی، شیوه نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی کشور است پذیرفته می‌شود و تایید می‌گردد.



فرضیه چهارم: بکارگیری مولفه جنگ درون شهری شیوه نامتقارن موثر در مقابله با تهدیدات نظامی نامتقارن علیه کشور است.



بخش چهارم: تجزیه و تحلیل نهایی

تجزیه و تحلیل نهایی بر اساس داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده، نتیجه آزمون فرضیه‌های را محقق به صورت زیر بیان می‌کند:

فرضیه اول

" بکارگیری مولفه تسلیحات غیرمتعارف به عنوان شیوه‌ای نامتقارن در

مقابله با تهدیدات نظامی "مورد تایید قرار نگرفت

فرضیه دوم

"بکارگیری مولفه جنگ اطلاعات به عنوان شیوه‌ای نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی "مورد تایید قرار گرفت .

فرضیه سوم

"بکارگیری مولفه عملیات انتحاری به عنوان شیوه‌ای نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی "مورد تایید قرار گرفت.

فرضیه چهارم

"بکارگیری مولفه جنگ درون شهری به عنوان شیوه‌ای نامتقارن در مقابله با تهدیدات نظامی "مورد تایید قرار گرفت.

نتیجه و بیان پیشنهادها

بخش اول : نتیجه تحقیق

با توجه به منابع مورد مطالعه، اطلاعات جمع آوری شده از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران و همچنین پرسشنامه از جامعه نمونه، تجزیه و تحلیل و نهایتاً آزمون فرضیه‌های مهم، نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرح زیر بیان می‌گردد:

۱. منابع مطالعه، استفاده از تسلیحات غیرمتعارف را در طول تاریخ مورد تایید قرار می‌دهد، اما جامعه آماری پژوهش حاضر با توجه به عوارض و آسیب‌های حاصل از استفاده و کاربرد این نوع از ابزارهای جنگی و همچنین بنا به پارامترهای ضداورزشی این تسلیحات، بکارگیری آنها را در عرصه جنگهای نامتقارن برطرف‌کننده تهدیدات نظامی علیه کشور قلمداد نمی‌کنند. نتیجه آنکه بکارگیری این شیوه به عنوان مولفه‌ای نامتقارن برای مقابله با تهدیدات مورد تایید جامعه آماری قرار نگرفت.

۲. انتخاب جنگ اطلاعات به عنوان شیوه‌ای نامتقارن مورد تایید قرار گرفته شده است. جنگ روانی، فریب نظامی، جنگ الکترونیک، تسلیحات هوشمند، جنگ شبکه‌ای، جنگ سبیرتیک و جنگ رسانه‌ای از شاخه‌های مهم

جنگ اطلاعاتی هستند که وابستگی خاصی به ابزار و تکنولوژی و رسانه‌های جمعی دارد برای بکارگیری موثر آن به عنوان مولفه‌ای کارآمد در مقابله با تهدیدات نظامی، لزوم توجه به زیر ساخت‌های فناورانه رسانه‌ای و ارتباطی در نظام دفاعی کشور مورد تاکید است.

۳. مولفه نامتقارن عملیات انتحاری به عنوان شیوه‌ای کارآمد ناشی از یک تحلیل عدم تقارن، مبتنی بر محاسبه هزینه و بازدهی مناسب در نبردهای نامتقارن مورد تایید و تاکید جامعه آماری قرار گرفته است.

۴. جنگ درون شهری به عنوان آخرین گزینه استراتژیکی مبتنی بر اصل "خود دفاعی پیشگام مردمی" و برخوردار از پتانسیل قوی "فضای دفاعی" در یک نبرد نامتقارن مورد تایید و تاکید جامعه آماری پژوهش حاضر قرار گرفته است.

بخش دوم: پیشنهادات

الف - پیشنهاد ادامه تحقیق:

۱. کشور در معرض "تهدیدات نامتقارن" از سوی کشورها قدرتمند و قوی است و قدرت دفاعی و کلاسیک و متعارف نظام دفاعی کشور برای پاسخ به آنها کافی نیست، همین امر افق‌های جدیدی را در عرصه دیپلماسی و توانمندی نظامی، بر روی تحلیلگران مسایل دفاعی گشوده است. اینکه "چگونه می‌توان با حداکثر بهره‌وری از امکانات موجود به مقابله با تهدیدات نامتقارن اقدام کرد؟"، می‌تواند موضوع تحقق مناسبی فراروی پژوهشگران علوم نظامی و دفاعی قرار دهد.

۲. پیچیدگی جغرافیایی کشور و همچنین وجود گلوگاهها بسیار زیاد در مسیر حملات دشمن و عمق زیاد میدان درگیری، ضمن برخورداری از همگرایی ملی در برخورد با دشمن تحت رهبری واحد کارزماتیک قادر است که دشمن را با مولفه‌های ناشناخته و مبهم که مهمترین شاخصه جنگ نامتقارن می‌باشد روبرو کند بنابراین محقق پیشنهاد می‌کند تحقیقی در خصوص "

جنگ نامتقارن و تهدیدات مبهم " صورت پذیرد.

۳. پیشنهاد می‌گردد در خصوص مقابله با تهدیدات نامتقارن دشمن " اصول بکارگیری پدافند نامتقارن " نیز مورد توجه و عنایت محققان و تحلیلگران عرصه‌های نظامی و دفاعی کشور قرار گیرد. و پژوهش جامعی نیز در این راستا انجام پذیرد.

ب - پیشنهادات اجرایی:

۱. برای حصول به اهداف جنگ اطلاعات، طرح سلسله مراتبی ساختارهای نظامی حاضر، مؤثر، کارا و متناسب نیست. نیروهای مسلح کشور باید برای جنگ اطلاعات در تمام سطوح جامعه سازمان یابد و این به معنای تغییر سازمان و دکترین نظامی است که پیشنهاد می‌گردد " طرح توسعه ساختار امنیت شبکه‌ای " نیز در سطح نیروهای مسلح با بهره‌گیری از تجارب کارشناسان و متخصصان علوم ارتباطی و رایانه‌ای تدوین و اجرا گردد.

۲. پیشنهاد می‌شود که تیم‌های ویژه جنگ‌های درون‌شهری با آموزش‌های حرفه‌ای با ترکیبی مؤثر از نیروهای انتظامی و واحدهای مقاومت بسیج و یگان‌های عملیاتی مستقل کوچک نیروهای مسلح تشکیل و با توجه به تجربیات جنگ شهری خرمشهر در طول دفاع مقدس و دیگر کشورها تشکیل و رزمایش‌های مشترکی نیز در این زمینه صورت پذیرد.

۳. پیشنهاد می‌گردد در سطح دانشکده‌ها و دانشگاه‌های علوم نظامی و دفاعی بکارگیری اصول و مولفه‌های نبرد نامتقارن با جایگزین کردن و یا افزودن چند واحد درسی و دانشگاهی در این خصوص برای فهم زوایای نهان و اشکار جنگ نامتقارن صورت پذیرد.

منابع :

الف : فارسی

۱. سند نهایی چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران مصوب مقام معظم فرماندهی کل قوا
۲. تافلر. الوین و هایدی، جنگ و پاد جنگ، ترجمه مهدی بشارت، انتشارات اطلاعات تهران ۱۳۷۵
۳. پیترز. جان، معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی مترجم سید حسین محمدی نجم، تهران، دور عالی جنگ سپاه پاسداران ۱۳۷۸
۴. هیلزگری. کریس جنگ پست مدرن، سیاست نوین درگیری اثر ترجمه احمد رضا نقاء تهران، دوره عالی جنگ سپاه پاسداران ۱۳۸۱
۵. مقاله کشورهای کوچک و قدرت هوایی نامتقارن در کتاب جنگ نامتقارن ترجمه مجموعه مقالات از انتشارات دافوس سپاه پاسداران سال ۱۳۸۴
۶. هنر جنگ سن تزو، ترجمه محمود کی، ۱۳۵۸، فصل سوم
۷. مکنزی. کنت، جنگ نامتقارن، مترجم عبدالمجید حیدری، محمد تمنایی، تهران، ۱۳۸۲ سپاه پاسداران، دافوس، دوره عالی جنگ
۸. مجله سیاست خارجی سال اول شماره ۱
۹. تبیین اصول و شیوه‌های جنگ نامتقارن در مقابله با تهدیدات احتمالی - مجموعه مقالات - دانشکده افسری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۱۰. پیترز. جان معماری نظامی آمریکا بر پایه نظم نوین جهانی مترجم سید حسین محمدی نجم تهران - دور عالی جنگ ۱۳۷۸

۱۱. سیواوش دانیالی -بازشناسی و کاربرد نبرد نامتقارن -آبان ماه ۱۳۸۳- انتشارات

دافوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

۱۲. انقلاب در امور نظامی - گروه تحقیق و تالیف ماهنامه نگاه - سال چهارم

شماره ۳۶ تیرماه ۱۳۸۲

۱۳. کالدور. ماری - مفهوم جنگ از گذشته تا کنون - ماهنامه نگاه سال سوم -

شماره ۲۴ - تیرماه ۱۳۸۱

۱۴. اصول وقواعد جنگ های نامنظم انتشارات دافوس آجا- سرتیپ ۲ علیرضا

سنجایی فروردین ۱۳۷۳

۱۵. روزنامه همشهری ۱۷ آذر ۱۳۸۳

۱۶. تحلیل عملیات انتحاری - ژولین مدسن - ترجمه مصطفی الماسی - روزنامه

شرق - ۲۸ آبان ماه ۱۳۸۳

۱۷. روزنامه همشهری - یکشنبه ۹ دی ماه ۱۳۸۰ - مقاله " حادثه بزرگ در راه

است " - گفتگو با پل ویریلیو فیلسوف معاصر فرانسوی

۱۸. دکتر عادل آذر. دکتر منصور مومنی - آمار و کاربرد آن در مدیریت جلد دوم

تحلیل آماری - تهران ۱۳۸۱ چاپ ششم - انتشارات سمت

۱۹. دکتر دلاور. علی احتمالات و آمار کاربردی در روانشناسی و علوم تربیتی

چاپ هفتم ۱۳۸۲ انتشارات رشد

۲۰. روش تحقیق در علوم اجتماعی - دافوس آجا - ۱۳۸۱

۲۱. البرت ه. باوکر - جرالد. ج. لیبرمن - آمار مهندسی - ترجمه هاشم مرکز نشر

دانشگاهی تهران - ۱۳۷۹

۲۲. خوشنود، جلیل جلیلی آمار احتمال، استنباط آماری - دانشگاه آزاد اسلامی

واحد جنوب ۱۳۷۵

ب: انگلیسی

1. **Thomas G and Barry D. Watts -What the gulf war can tell us about the future of warfare Mahnken**
2. **Grange. David L. Old Method, New Concern National Strategy Forum Review Winter 2000 Asymmetric Warfare:**
3. **Steven Mets and Douglas V . Johnson - Asymmetry and US Military Strategy.. jun 2001**
4. **alex Moseley, The internet Encyclopedia of philosophy - the philosophy of war - 2004**
5. **Ad-hoc innovation. use of the enemy's strengths against itself.**
6. **Sun Tzu (Giles, 1910, Ch. 1.1997 Robert H. Allen ASYMMETRIC WARFARE: IS THE ARMY READY?**
7. **William S. Lind, Colonel Keith 1989 by The Changing Face of War Into the Fourth Generation**
8. **Pilot col. June Boyd, Patterns of Conflict. 1982**
9. **How the weak Win Wars Atheory of Asymmetric Conflict by 1998**
10. **The Threat Of Asymmetrical Warfare And Canada's Readiness by: colonel C.M.Hazleton**
11. **Ivan Arreguin - toft, How the Wak win Wars - 200International Security, Vol. 26, No. 1 (Sunmer 2001), pp. 93-128**
12. **Wilson. Peter, Strategic Assessment Engaging Power For Peace 1998 Chapter 11 Asymmetric Threats**
13. **J.F.C. Fuller, The Foundations of the Science of War " Doctrine for Asymmetric warfare " Military Review August 2003**